

مقاله

مقدمه

علم تاریخ، همانند سایر علوم، از همان آغاز، در میان مسلمین جایگاه ویژه‌ای یافت و مورد توجه آنان قرار گرفت. یکی از علل مهمی که باعث این امر گردید تأکید قرآن کریم به مطالعه‌ی سرگذشت اقوام و ملت‌های گذشته و عبرت‌آموزی از عملکرد آنان بود. البته گسترش فتوحات اسلامی توسط مسلمین به این مسئله بیش از پیش دامن زد. مقدم بر این، قصص قرآنی که خود بخش عمده‌ای از آیات این کتاب آسمانی را در برمی‌گیرد، باعث تحریک و تشویق مسلمین بویژه حاکمان آنان برای یادگیری مطالب تاریخی شد. به عنوان نمونه مسعودی نقل می‌کند که معاویه بن ابی سفیان، هر شب بعد از صرف شام، تا پاسی از شب با داستان سرایان و اشخاص مطلع شب‌نشینی داشت و از آنان داستان،

تاریخ در قصص قرآن

دکتر تهماسب طالبی

کلید واژه‌ها: قرآن، تاریخ نگری، قصص قرآن.

دیگر بیان هر حادثه یا واقعه‌ای تاریخی از نظر قرآن ارزشمند نیست، بلکه تنها اخبار مهم قابل نقل و بیان می‌باشد. در واقع، از نظر قرآن خواندن تاریخ وسیله‌ی تذکر است و نه عامل سرگرمی. در داستان‌های قرآنی شنیدن تاریخ دیگران و توجه به مصائب و مشکلات آنان در صبور سازی انسان‌ها نقش کلیدی دارد و شناخت رفتار و پایان کار پیشینان در انتخاب راه ما برای حرکت به سوی آینده بسیار راهگشاست. نکته‌ی آخر این‌که اگر به آیات قرآن، که پیوسته آدمیان را به سیر و گردش در زمین دعوت می‌کند توجه دقیق نمائیم، می‌توانیم این‌گونه استنباط کنیم که آثار باستانی و آنچه از گذشتگان مانده است می‌بایست به دقت حفظ و حراست شود تا همواره در مقابل دیدگان نسل‌های پیاپی قرار گیرد؛ و هر نسل بتواند با نگرسیستن و تفکر در آن‌ها از سرگذشت گذشتگان عبرت گیرد.

عبرت آموزی

قرآن کریم در آیات متعددی انسان‌ها را دعوت به مطالعه و تأمل و تفکر در سرگذشت پیشینان می‌نماید. از نظر باری تعالی، درس گرفتن و عبرت آموختن از قصص الهی بزرگ‌ترین موهبت برای کسانی است که دوست ندارند اشتباهات گذشتگان را تکرار نمایند. قرآن سرگذشت اقوام پیشین و شرح رسالت پیامبران الهی را تحت عنوان قصص (جمع قصه) بیان کرده است. از آن جمله است قصه‌ی آدم و حوا و فرزندانش هابیل و قابیل، قصص انبیای الهی همچون نوح، ابراهیم، موسی، عیسی، و سرگذشت اقوامی چون عاد، ثمود و... از نظر قرآن هر یک از این اقوام روزگاری را با بهره‌مندی از نعمات الهی سپری نمودند اما چون گمراهی اختیار کردند و از دستورات حق سر برتافتند

کتاب‌های تاریخی و آثار داستانی، در طول تاریخ فرهنگ بشری، رونق خاصی داشته و قابل فهم و درک برای اکثر مردم بوده است، درحالی‌که مباحث استدلالی و عقلانی را تنها گروه‌های قلیل و اندکی پیگیری می‌کرده‌اند. خداوند سبحان علاوه بر این که در کتاب آسمانی خود مطالب اجتماعی، سیاسی، نظامی، فرهنگی و تربیتی را برای مسلمانان بیان داشت، بخش عظیمی از گفته‌های خود را نیز به قصص پیشینان اختصاص داده و بسیاری از مطالبی را که از ابعاد مختلف، اجتماعی، سیاسی و... مدنظرش بوده در لابه‌لای این قصص بیان فرموده است. در روایات ما به کل قرآن «احسن القصص» اطلاق شده است. (مکارم شیرازی، ص ۳۰۲)

با مطالعه‌ی قصه‌های قرآن مجید متوجه می‌شویم که داستان‌های تاریخی که در این کتاب بر نبی اکرم (ص) نازل شده است با قصه‌ها و حکایت‌های معمولی تفاوت‌های چشمگیری دارد. از جمله این‌که قصه‌های قرآن دارای حقیقت است و ساختگی یا آمیختگی به خرافات و اوهام و یا تحریف در آن جایی ندارد. قرآن خود به وضوح به این نکته اشاره کرده است: «نَحْنُ نَقُصُّ عَلَيْكَ نَبَأَهُم بِالْحَقِّ». (کهف: ۱۳) قصص قرآنی دارای هدفی مشخص و دقیق است و نیز راهکارهای تربیتی و آموزش مهمی دارد. یعنی هر داستان یا قصه‌ای که در آن نقل می‌شود منتج به نتایج اخلاقی و تربیتی سودمندی برای خواننده می‌شود که این مطلب حاکی از هدفدار بودن قصص قرآنی است. از ویژگی‌های قصه‌های قرآن کریم این است که معمولاً از بیان جزئیات در قصه خودداری می‌شود. دلیل این مطلب یکی آن است که بیان جزئیاتی که دانستن و ندانستن آن‌ها نقشی در هدف اصلی قصه ندارد لازم نیست؛ از سوی

جنگ عرب‌ها با ایرانیان و رومیان و غیره را استماع می‌کرد و از شرح حال پادشاهان و شیوه‌ی مملکت‌داری و سیاست آنان خبر می‌گرفت. (زیدان، ص ۶۷۵)

اهمیت دیگری که در قصص قرآنی وجود دارد توجه دادن انسان به خودشناسی است و این که شناخت خود بدون شناخت تاریخ پیشینان امکان‌پذیر نخواهد بود. از نظر قصص قرآنی، افراد، با مطالعه‌ی اوضاع و احوال گذشتگان، از توانایی‌ها، ضعف‌ها، امکانات و مشکلات خود آگاه می‌شوند. در نوشتار حاضر به برخی از ابعاد اهمیت قصه در قرآن پرداخته و نقش و تأثیر آن‌ها را در زندگی مورد مطالعه قرار داده‌ایم.

اهمیت قصص قرآنی

قصه و داستان در تربیت انسان و شکوفایی فکر و اندیشه‌ی او تأثیر به‌سزایی دارد. داستان یا قصه تجسم عینی زندگی و تجربه‌ی عملی یک فرد یا ملت است. تاریخ آئینه‌ی ملت‌هاست؛ هر چه با تاریخ و سرگذشت پیشینان بیشتر آشنا باشیم گویا به اندازه‌ی عمر آن مردم زندگی کرده‌ایم. چنانچه علی (ع) این مطلب را در قالب پند و نصیحت به فرزند خود امام حسن (ع) بدین گونه بیان داشته است:

«پسرم! اگرچه من به اندازه‌ی همه‌ی آنان که پیش از من بوده‌اند نزیسته‌ام، اما چندان در کارهایشان نگریسته‌ام که همچون آنان شده‌ام؛ بلکه چندان بر امورشان آگاهی یافته‌ام که گویی با اولین آن‌ها تا آخرین شان زندگی کرده‌ام. پس در این سیر و تأمل، کردار پاکیزه را از کردار آلوده باز شناخته و سود را از زیان دریافته‌ام». (نهج‌البلاغه، نامه‌ی ۳۱)

یکی از دلایل اثرگذاری قصه و داستان بر روی انسان، تمایل فطری او به داستان است. از همین روست که

**مطالعه‌ی سرگذشت
اقوام و ملل در قرآن مجید
به ما می‌آموزد که چگونه
باید در برابر شدائد و
مشکلات صبر پیشه کرد.**

دچار عذاب الهی گردیده و نابود شدند. بر این اساس قرآن مکرر از مردم می‌خواهد از داستان این اقوام عبرت بگیرند تا دچار سرانجامی همچون آنان نگردند: «آیا در زمین گردش نکردند تا عاقبت کار کسانی را که پیش‌تر بوده‌اند، بنگرند» [یوسف، ۱۰۹] در آیه‌ی قوق و آیات دیگری مانند آن بر نقش عبرت‌آموزی و پندگیری تأکید فراوان می‌شود. این عبرت‌آموزی از نظر قرآن نگاه به زندگی و نحوه‌ی رفتار افراد بشری در طول تاریخ است. قرآن عبرت نگرفتن از این حکایات را مساوی با تباهی و هلاکت دانسته و آن را در سنت الهی و قاعده‌ای تلقی کرده که هرگز در آن تبدیلی به وجود نخواهد آمد و هرگز برای سنت خدا دگرگونی وجود نخواهد داشت. (فاطر، ۴۳)

عبادت و بندگی الهی

شناخت و بندگی خدا از ارکان زندگی بشر در طول تاریخ بوده است. انسان همواره در پی یافتن خالق و آفریننده‌ای مدیر، قدرتمند و برتر در جهان هستی بوده است و در این مسیر، ماجراهای فراوانی را پشت سر نهاده است. با مطالعه‌ی قصص قرآنی می‌توان به این نکته به خوبی پی برد. از نظر قرآن کریم انسان‌ها نخست یکتاپرست بودند. اما از راه راست منحرف و مشرک شده و خدا پیامبران را برای هدایت ایشان فرستاد (بقره، ۲۱۳) حضرت علی (ع) نیز این موضوع را در خطبه‌ی نخست نهج‌البلاغه این‌گونه بیان فرموده است:

«پس از خلقت آدم، خداوند همواره رسولانی را برای هدایت بشر فرستاد تا او را که از فطرت الهی خویش دور شده بود دوباره به راه راست هدایت کند.» بنا به فرموده‌ی علی (ع) هیچ دوره‌ای نبوده که در آن پیامبری مبعوث نشده باشد.

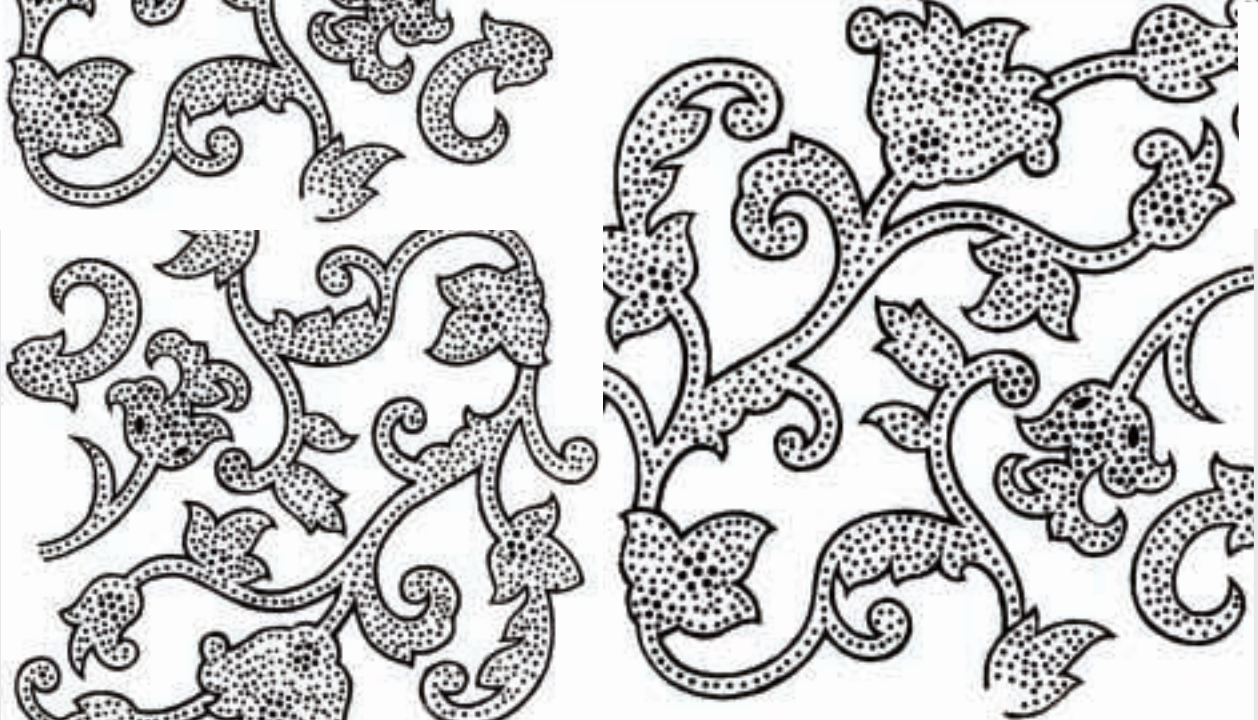
براساس قصص قرآنی از مهم‌ترین علل انحطاط و هلاکت اقوام گذشته عدم تمکین و اطاعت بندگی آنان در برابر پرستش حق بوده است. بر این اساس، داستان انبیای الهی در قرآن در حقیقت بیان سیر تاریخی دعوت به بندگی حق، در برابر تسلیم به تمایلات و خواسته‌های نفسانی به شکل‌ها و فکرهای مختلف می‌باشد. از نتایج قصص قرآنی روشن می‌شود که عدم تمکین نسبت به فرامین الهی در هر زمان و مکان، مستحق خواری و زبونی برای بندگان خواهد بود. (سوره غافر: ۶۰) همچنین کسانی که دست از پرستش حق کشیده و به تکیه‌گاه‌های دیگری رو آورده‌اند به مثابه عنکبوتی می‌مانند که برای خود خانه می‌سازد؛ در حالی که اینان غافلند که پست‌ترین و سست‌ترین خانه‌ها لانه‌ی عنکبوت است.

صبر و پایداری

یکی دیگر از اصول تربیتی در قصص قرآن صبر و پایداری است. صبر و پایداری، که در قرآن بدان سفارش می‌شود، دستور و قانونی دائمی برای همه‌ی جویندگان طریق حق و عدالت در همه‌ی اعصار است. در قرآن به کرات از صبر و پایداری حق‌طلبان سخن به میان آمده و از آنان به نیکی یاد کرده و پاداش کار آنان را بالاتر از همه دانسته است. (احقاف: ۳۵، رعد: ۲۴، نمل: ۹۶، سجده: ۲۴، انسان: ۱۲، آل عمران: ۲۰۰، بقره: ۱۵۳).

مطالعه‌ی سرگذشت اقوام و ملل در قرآن مجید به ما می‌آموزد که چگونه باید در برابر شدائد و مشکلات صبر پیشه کرد. در قرآن صبر در انواع مختلفی بیان گردیده است، چنان‌که در آیه‌ی ۱۵۵ سوره‌ی بقره به مصادیقی از آن اشاره رفته است: «البته شما را به سختی‌هایی چون ترس، گرسنگی و نقصان اموال و نفوس و





آفات زراعت آزمایش می‌نمائیم و بشارت باد صابران را.» از منظر قرآن صبر جزء اوصاف پسندیده است، از این رو خدای متعال مردم صابر و شکیبا را مورد ستایش قرار داده و بسیاری از نیکی‌ها و درجات را بدان نسبت داده و آنها را نتیجه‌ی صبر شمرده است: «آنان را پیشوایانی قرار دادیم که همواره در برابر ناروایی‌ها شکیبایند و مردم را به راه ما و دستورات ما رهبری می‌کنند.» (سجده: ۲۴) و یا در آیه‌ی ۱۳۷ سوره‌ی اعراف: «بنی‌اسرائیل چون [در برابر فرعون] شکیبائی ورزیدند کلمه‌ی نیکوی پروردگار توهم به ایشان رسید.» و در سوره‌ی آل عمران آیه‌ی ۱۲۵ در اشاره به یاری خدا به مسلمانان در جنگ، که توسط پنج هزار فرشته‌ی الهی صورت گرفت، می‌خوانیم: آری اگر در پیش آمده‌ها شکیبا باشید و از نافرمانی‌های خدا بپرهیزید، آنان، هر چند با خشم و غضب به جانب شما روی آوردند، ما شما را به کمک پنج هزار فرشته‌ی نشاندار یاری خواهیم کرد.»

اخلاق در قصص قرآن

از ویژگی‌های مهم دیگری که در قصص قرآنی می‌توان به آن اشاره کرد آموزه‌ها و درس‌های اخلاقی است. قرآن کریم ضمن بیان قصص و سرگذشت امم

و اقوام دور، به گاه صحبت از جریانات و حوادث مطروحه‌ی آنان، از شخصیت‌ها و افرادی نیز نام می‌برد. با مطالعه و بررسی این الگوهای شخصیتی که در قرآن بدان‌ها اشاره رفته است می‌توان درس‌هایی بسیار مهم و آموزنده از طرز رفتار و عملکرد آنان فراگرفت. برای نمونه، در داستان یوسف(ع)، دعوت به الگوهای اخلاقی همچون، توکل به حق، دوری جستن از شهوات و امیال نفسانی، گذشت و مهربانی را می‌توان آموخت. در داستان ابراهیم(ع) شاهد به کارگیری تعقل و منطق جهت یافتن عظمت و حقانیت الهی، توکل کامل به حق در مصائب و مشکلات، ایثار و فداکاری در راه حق، وفا به عهد و پیمان و ... می‌باشم. در سرگذشت موسی(ع)، زمانی که از سرگذشت فرعون و متکبران یاد می‌کند، علت انحراف و گمراهی فرعون را خودخواهی و تکبر او برمی‌شمارد (قصص: ۴، یونس: ۸۳) و لذا در آیات دیگری که بر رسول الله(ص) نازل می‌شود آن حضرت را به فروتنی و تواضع توصیه می‌کند: «از مردم رو مگردان، از روی فخر روی زمین راه مرو، خدا همه‌ی خودخواهان و فخر فروشان را دوست ندارد.» (شعرا: ۲۱۵) یا «بندگان شایسته‌ی خدا کسانی هستند که با آرامش راه می‌روند و آنگاه که

از نادانان حرکت نامربوط شنیدند نادیده می‌گیرند و اظهار محبت می‌کنند.» (فرقان: ۶۳) از نظر خداوند سبحان عالمان متقی کسانی هستند که به خدا ایمان داشته و با تدبیر و تفکر در دستگاه آفرینش به غور و بررسی می‌پردازند و در عین حال از خداوند سبحان خواستار عفو و بخشش می‌باشند. (آل عمران: ۱۹۴-۱۹۰، فاطر: ۲۸) در سرگذشت قارون که مظهر ثروت و علم در میان قوم موسی(ع) بوده خداوند می‌فرماید: «دانشمندانی که علم آموخته بودند به مردم متذکر می‌شدند [که بدانند] در برابر مال و ثروت قارون، ثواب و بهره‌ی خداوندی بهتر است.» (قصص: ۸۰)، از نظر قرآن، اهل علم می‌بایست در مسائل جامعه‌ی خود با تدبیر و تفکر عمل کنند، زیرا انتظاری که از آنان در قبال مسائل و مهمات جامعه می‌رود بیش از سایر مردم است. آنان در عین آگاهی و علم می‌بایست از نظر ترس و تقوا نیز در مراتب عالی باشند؛ به همین علت است که در نزد خدا دارای منزلت هستند: «خدا درجات مؤمنین و کسانی که دارای علم توأم با عمل هستند را افزایش می‌دهد.» (مجادله: ۱۱)

در آیات دیگری نیز بر مقام علم که ابزار عالمان است مکرر تأکید می‌گردد: «ای پیامبر(ص) پرس: آیا آن کسانی که

در قصص قرآن کریم، پیروزی بر باطل، در طول تاریخ، به حق مداران و اهل ایمان نوید داده شده است

علم آموخته‌اند با نادانان مساوی هستند؟» (زمر: ۹ و یا: «کسانی که در علم عمیق هستند می‌گویند به تمام مطالب و فرامین خداوند متعال ایمان داریم و همه از طرف خدا نازل شده است». (آل عمران: ۷)

با مطالعه‌ی قصص قرآن مطالب و نکات اخلاقی فراوانی همچون: رعایت حق و حقوق افراد، محبت و ایثار، احترام به پدر و مادر، سکوت، صداقت، امانتداری، پرستش الهی، دوری از شرک و نفاق، احترام به پدر و مادر، سکوت، صداقت، امانتداری، پرستش الهی، دوری از شرک و نفاق، پرهیز از دنیا دوستی مفرط و... می‌توان گفت که خود به مجال و فرصت دیگری نیاز دارد.

پیروزی حق

در قصص قرآن کریم، پیروزی بر باطل، در طول تاریخ، به حق مداران و اهل ایمان نوید داده شده است. بنا بر این قصص، پیروزی حق بر جبهه‌ی باطل در نهایت امر قطعی است و سرگذشت اقوام ملل از بسیاری جهات شبیه به هم می‌باشد و حرکت آنان یک حرکت و جریان مستمر تاریخی به‌شمار می‌آید و حادثه‌ای زودگذر و آنی محسوب نمی‌شود. این حرکت قانونمند است و مطالعه‌ی آن رمز و راز سقوط یا صعود، ذلت یا عزت ملل را به روشنی برای بشر آشکار می‌سازد و نشان می‌دهد که این عزت و سربلندی به تلاش و کوشش و میزان اطاعت مردم از پیامبران عمل به دستورات الهی بستگی داشته است و دارد. (هود: ۱۲۳) پیروزی نهایی حق بر باطل در میان همه‌ی ادیان مورد اتفاق است. البته بحث این مطلب





نتیجه

با توجه به آنچه گفته شد، می‌توان گفت که علم تاریخ به طوری خاص و برجسته در کتاب الهی ما مسلمانان مورد توجه قرار گرفته است. تفکر و تدبیر در آیات قرآن کریم نشان می‌دهد که آنچه در این کتاب تحت عنوان قصص بیان شده، برای سرگرمی و پر نمودن اوقات فراغت انسان‌ها و یا رقابت با سایر کتب قصص و تواریخ نیست، بلکه از منظر قرآن مجید می‌بایست با مطالعه‌ی احوال مردمان و سیر و سفر در زمین‌هایی که انسان‌های پیشین در آنها به سربرده‌اند از سرانجام و نهایت کار آنان درس آموخت و سنت‌ها و قوانین جاری در علم تاریخ را درک کرد. به علاوه، با مطالعه‌ی قصص قرآنی متوجه می‌شویم که خوشبختی و یا تیره‌روزی انسان‌ها به اعمال و کردار آنان بستگی دارد و راه برون رفت و تغییر سرنوشت آنان بسته به خواست و تلاش خودشان است. قرآن کریم یادآور می‌شود که قصص و سرگذشت انبیا و اقوام گذشته تنها برای خواندن و لذت بردن نیست، بلکه هرکس موظف است در گفته‌های حق تعقل و تفکر نماید تا به قوانین حاکم در نظام خلقت پی ببرد. (یوسف: ۲) و از این رو است که آشنایی با تاریخ می‌تواند درس عبرتی برای پیشرفت و سعادت بشریت و نیز راهنمایی مطلوب برای عملکرد آیندگان به شمار آید. (توبه: ۶۹، هود: ۱۲۳ رعد: ۴۱، و ابراهیم: ۹)

مطالعه‌ی قصص و احوال پیشینان در قرآن، علاوه بر این که ما را با شکست‌ها

در این مجال نمی‌گنجد ولی به طور خلاصه می‌توان گفت که از نظر قرآن، در نهایت تاریخ، حکومت و سروری از آن متقیان و پرهیزگاران خواهد بود. به عنوان نمونه در آیه‌ی چهارم سوره‌ی قصص می‌خوانیم: «اراده‌ی ما بر این قرار گرفته که بر مستضعفین زمین منت نهاده و آنان را پیشوایان و وارثان روی زمین قرار دهیم» و در سوره‌ی نور آیه‌ی ۵۴ می‌خوانیم: «خداوند به کسانی که شما که ایمان آورده و اعمال صالح انجام داده‌اند، وعده می‌دهد که آنها را قطعاً خلیفه‌ی روی زمین خواهد کرد، همان‌گونه که پیشینان را خلافت بر روی زمین بخشید؛ و دین و آئینی را که برای آنها پسندیده پابرجا و ریشه‌دار خواهد ساخت و خوف و ترس آنها را با امنیت و آرامش مبدل می‌کند آن‌چنان که تنها مرا می‌پرستند و چیزی را برای من شریک نخواهند ساخت» و در آیه‌ی ۱۰۵ همین سوره می‌خوانیم: «همانا در زبور پس از تورات نوشتیم که زمین را بندگان شایسته‌ی ما به ارث خواهند برد».

با توجه به آیات مطروحه می‌توان گفت که سرانجام و نهایت امر جهان به نفع جبهه‌ی حق بوده و اگر مهلتی به ستمکاران داده می‌شود براساس سنت الهی و امتحان است. آنان که مؤمن و در مسیر حق قرار دارند از این فرصت برای انابه و بازگشت به سوی حق بهره‌برداری می‌کنند و آنان که کافران بر گناهان خویش اصرار می‌ورزند، اما به فرموده‌ی قرآن به مهلت الهی نباید مغرور شد که قهر او به طور ناگهانی نازل می‌شود. (رعد: ۳۲)

و پیروزی‌ها در جریان حرکت تاریخ آشنا می‌سازد، اصول اخلاقی جاری و مورد قبول حق و عوامل اخلاقی و فکری را که باعث انحطاط و نابودی اقوام و یا بالعکس گردیده است به ما متذکر می‌شود. در واقع مطالعه‌ی قصص تاریخی در قرآن، خود یک مدرسه و مکتب سازنده برای اصلاح رفتارهای شخصی و اجتماعی ما و عمل به آنها موجب سعادت و خوشبختی می‌گردد. نکته‌ی آخر این‌که، مطالعه‌ی تاریخ انبیا و اقوام گذشته در قرآن و نظر و تفکر در مسیر اقدامات آنان به انسان امید و نشاط و پویایی می‌بخشد و به او می‌آموزد که در مسیر تاریخ برخلاف آنچه مکاتب گمراه کننده بیان می‌دارند پیروزی و توفیق نهایی از آن مستضعفان و دوستداران حق می‌باشد و نهایت کار جهان از آن متقیان خواهد بود.

منابع

۱. زیدان، جرجی، تاریخ تمدن اسلام، ج ۳.
۲. آیت الله ناصر مکارم شیرازی (زیر نظر)، تفسیر نمونه، ج ۹.

تسلیت به یک همکار

با خبر شدیم آقای سید حسین رضوی خراسانی از نویسندگان کتاب تاریخ دوره‌ی پیش دانشگاهی در غم فقدان پدر به سوگ نشسته است. تحریریه‌ی رشد آموزش تاریخ به ایشان تسلیت می‌گوید و برای آن مرحوم از درگاه خداوند منان آمرزش می‌طلبد.